



علي اعطا

عضو هیئت رئیسه و سخنگوی شورای ینجم تهران

سیسمونی پاستورنشینی شورای دوم

احمدی‌نژاد را روز ۳۰ اردیبهشت ۸۲ بر صندلی طلایی شهرداری نشاند اما او روز هفتم تیر ۸۴ شهرداری را به مقصد پاسطور ترک کرد. سیاست، بر پیدا و پنهان مدیریت شهری سایه انداخته بود و اهالی شورای دوم، این را بهتر از هرکسی می‌دانند.

منتخب شورای دوم فرصت ۱۳ ماه شهرداری را مغتنم دید تا با عملکرد و شیوه و منش عوام‌گرایانه خود در شبکه محلات پایتخت، سازمان رای خود را بسازد. آيا محمود احمدی‌نژاد، یک‌شنبه هوای پاستور به سرش رده بود؟ گمان نمی‌کنم. آيا شورایی دوم از این تصمیم او - به تمامی - بی‌خبر بود؟ طریق اولی گمان نمی‌کنم. شورای دوم در آن ۱۳ ماه، خواسته یا ناخواسته، رئیس‌جمهور بعدی را در لباس شهردار تهران در دلمان خود پرورش می‌داد. می‌سمونی پاستورزشینه تدارک می‌دید. احمدی‌نژاد به پاسورت رفت و شورای مستبدانقر قلیايف را به شهرداری تهران بریزید. او که در مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری از احمدی‌نژاد، شهردار پیشین شکست خورده بود، حالا بر

بحثی که در رابطه با لزوم ناهم‌زمانی دو انتخابات شورایاه و ریاست‌جمهوری مطرح شد، آزمون آرموده‌هاست. تجربه پنج دوره فعالیت شورایاه اسلامی در برابر ماست و برخلاف آنچه گفته‌اند، سنگینی سبب شده است بر برخی دوره‌ها. نسه به دلیل هم‌زمانی این دو انتخابات بلکه عمدتاً مرتبط با اهداف و انگیزه‌های بازیگران میدان مدیریت شهری بوده است. در پنج دوره گذشته، انتخابات ادوار چهارم و پنجم شورایاه هم‌زمان با ریاست‌جمهوری برگزار شده است، اما من گمان می‌کنم هیچ شورایی را نمی‌توان سیاست‌زده‌تر از شورای دوم پایتخت دانست که اتفاقاً آغاز و پایانی با انتخابات ریاست‌جمهوری تقرر نداشت. بر اثبات این مدعا، نیاز چندانی نیست تا کارنامه چهارساله این شورا را به تفصیل مرور کنیم. به گمان اشاره به این نکته روشنگر همه ماجراست که شورای دوم یک‌سره در اختیار اتلاف اصولگرایی آبادگران بود رای بلند شهرداری را شانه‌های مرد کج‌قافه‌ای انداخت که تا پیش از آن، جز در میان مدیران دولتی و اهالی استان اردبیل، رای کمتر کسی شناخته شده بود. شورای دوم، محمود

«شرق» پیشنهاد شورای عالی استان‌ها درباره انتخابات شوراها و ریاست‌جمهوری را بررسی می‌کند

هم‌زمانی یا ناهم‌زمانی؟



عكس: رثوفه رستمی

می‌خواهند این دوره را شش ساله کنند». پیش از این نیز اقبال شاکری، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، در هفتم تیر ۱۴۰۰ در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم در این باره گفته بود: «برگزار می‌همان آن دو انتخابات باعث ساده‌انداختن انتخابات ریاست‌جمهوری می‌شود؛ از برگزاری در مجلس شورای اسلامی پیشنهاد مطرح شده منی بر اینکه زمان برگزاری انتخابات باز تغییر یابد و هم‌زمان با انتخابات دیگری مانند مجلس خبرگان رهبری برگزار شود». امروز بیش از ۹ ماه است که شورای ششم تهران بر سر کار آمده است؛ شورایی که در سایه بی‌رونی بازار اصلاحات، در ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ یکسره در دستان اصولگرایان مدیریت شهری قرار گرفت. اکنون در نخستین سال فعالیت خود، خیز تازه‌ای برداشته‌اند تا با شورای هفتم یا بیستم، نه هم‌زمان با انتخابات ریاست‌جمهوری، بلکه به احتمال قریب به اقیانوس یک تا دو سال بعد آن برگزار شود. در حال حاضر اطلاع دقیقی در دست نیست که انگیزه‌ها و اهداف طرح چنین پیشنهادی چیست و حتی مهتر از آن، اطلاع دقیقی از این طرح و ابعاد و جنبه‌ها مختلف آن نیز در دست نیست و امروز نمی‌توان درباره جزئیات آن به دقت و روشنی صحبت کرد؛ اما آنچه پیداست، تصویب چنین پیشنهادی که نیاز به مصوبه مجلس دارد، در عمل به طولانی شدن و احتمالاً شش‌ساله‌شدن این شورا منجر خواهد شد و در واقع به معنای بازگشت به زمان‌بندی طولانی‌سومین دوره شورای اسلامی است. مسئله این است: انتخابات شورا و ریاست‌جمهوری، به‌هم‌زمانی یا ناهم‌زمانی؟

نظام مشارکت و نظارت مردمی، گام بنیادین دیگری در امر اصلاح نظام شورایی است. در حال حاضر طرح‌های جامع توسط وزارت راه و شهرسازی بدون مشارکت مردم تهیه و جهت اجرا به شهرداری ابلاغ می‌شود و تهیه طرح‌های تفصیلی نیز با انگارانی موقت از دولت به شهرداری‌ها، توسط شهرداری‌ها، اما هم بدون مشارکت مردم تهیه، تصویب و به اجرا گذاشته می‌شود. این امر یعنی نادیده گرفتن خواسته‌های مردم در برنامه‌ریزی شهری و در نتیجه ساماندهی و توسعه شهری بدون اخذ نظرات و خواسته‌های جامعه شهری شکل می‌پذیرد. البته شوراهای شهر در اصلاح قانون شوراها در سال ۱۳۸۲ به حدی از بررسی و تأیید این طرح‌ها را بر عهده گرفته‌اند، اما ما توجه به عدم شکل‌گیری نظام مشارکت شورایی و شکل‌گیری ناقص آن، بررسی و تأیید شوراها را نمی‌توان به منزله انطباق طرح‌های توسعه شهری با خواسته‌ها و نظرات مردم تلقی کرد. به عبارت دیگر، تلفیق نظام برنامه‌ریزی شهری با نظام دموکراسی و مشارکت از آفت‌زدگی دیگری است برای کارآمد کردن نظام شهری و ممانعت از آفت‌زدگی آن. تصویب آیین‌نامه پایش و ارزیابی طرح‌های توسعه شهری در شورای عالی شهرسازی و معماری کشور در سال گذشته نیز متأسفانه با همراهی نکردن وزارت کشور و شهرداری‌ها موجب عدم تشکیل نهادهای پایش و ارزیابی طرح‌های توسعه شهری در شهرداری‌ها شده است. لازم به ذکر است تشکیل نهادهای یادشده، راه‌حل بینابینی برای مشارکت شهرداری‌ها با دولت در تهیه طرح‌های توسعه شهری بود.

۴ راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و مقطعی همچون لحاظ سهمیه برای سازمان‌های مردم‌نهاد مدیریت شهری در انتخابات و جلوگیری از سلطه یک دسته و گروه سیاسی بر شوراها نیز قابل طرح است، با این حال، مسئله را به صورت بنیادی و اساسی حل نمی‌کند. در جمع‌بندی سخن باید گفت تغییر در زمان برگزاری انتخابات مشکلی را برطرف نمی‌کند و سیاست‌زدگی شورا همچنان با پرابجا خواهد بود؛ اما تغییر در قانون شورا و برگزاری انتخابات غیرمستقیم در شهرها به نفع محلی‌کردن انتخابات، راه‌حل اساسی موضوع است که در این یادداشت به صورت موجز و مختصر به آن پرداخته شد.

شوراها؛ از سیاست‌زدگی تا محله‌داری



علی نوذریور

هرچند در ناهم‌زمانی انتخابات، شاهد انتخاباتی هجوز دوره دوم شوراهای بودیم که در فضای سیاسی آن دوره کاملاً تحت تأثیر سیاست‌های پروژاگر و شوراها بی‌حاشا مشارکت مردم گریخت و گفتند که تهران از دل شورای دوم، سیاسی‌پدیده دوره ریاست جمهوری پس از انقلاب پدید آمده؛ اما باید اذعان کرد انتخابات هم‌زمان شوراهای ریاست جمهوری، مردم را از اهمیت انتخابات شوراهای غافل می‌کند و بحث‌ها و گفت‌وگوها عمدتاً در نامه‌های شوراهای جمهوری شکل می‌گیرد و گرایش سیاسی غالب در انتخابات رئیس‌جمهور در شوراهای نیز پیروز می‌شود و یک جبهه تکامل در شوراهای وجود می‌آید. واقعیت ماجرای سیاسی شدن شوراهای هم‌زمانی با هم‌زمانی انتخابات شوراهای با انتخابات ریاست جمهوری نیست، بلکه سیاست‌زدگی و ناآرامی شوراهای ریاست در علل دیگری جست‌وجو کرد که در ادامه به نادر مهم آن اشاره می‌شود.

بنیادی‌ترین علت را در قانون انتخابات شوراهای پایه جستجو کرد. در قانون شوراهای منصوب ۱۳۶۱، انتخابات شوراهای با گذر از انتخابات محله و منطقه برگزار می‌شد و در اصل‌نامه‌های بعدی، انتخابات شورای «درجا» تعریف شد و محله و منطقه از قانون پاشیده حذف شدند؛ درحالی‌که درست همان بود که در قانون شوراهای منصوب ۱۳۶۱ آمده بود. به این ترتیب که ابتدا در محلات شورای برگزار شود و سپس این نمایندگان شوراهای محلات، شوراهای مناطق تشکیل شده و این است که در دل شورای مناطق شهری، شورای شهر ایجاد شود. در آن صورت اعضای شورا نه به واسطه اشتغال سیاسی یا هنری یا ورزشی - که افراد در سطح ملی دارند - بلکه به واسطه شناخت و اعتماد مردم محله‌های شهری انتخاب می‌شوند. شناختی بر اساس ویژگی‌های شخصی افراد در پاک‌دستی کتاب می‌آید و به‌منوع و غیرمنوع مدنی در سطح محله میانی انتخاب خواهد بود. در صورت شورایی

* نایب رئیس، کمیسیون برنامه و بودجه شورای پنجم شهر تهران

دیدگاه

شوراها و نظارت استصوابی؟



معصومه ابتکار*

موضوع شوراها از چند زاویه لطمه خورده است. حالا ممکن است یکی هم سایه انداختن انتخابات ریاست جمهوری باشد؛ اما اگر بخواهیم در مورد اینکه شوراها چگونه در سایه مسائل سیاسی قرار گرفته‌اند، سخن بگوییم، باید به بحث دخالت سیاسی در امر تأیید صلاحیت افراد و بحث نظارت استصوابی اشاره کرد. تأیید صلاحیت فی‌نفسه مسئله‌ای طبیعی و بدیهی است. اینکه باید شوراها برای امر مهمی مثل مدیریت شهری، اقدام در صلاحیت باشند یک امر بدیهی است و اینکه این صلاحیت توسط مراجع صالحه و صاحب‌توان تأیید بشود هم مسئله‌ای بدیهی است. مشکل آنجاست که متأسفانه سلاقی سیاسی و سلابی شخصی و حتی دوازه دیگری در این روند ورود کرده است. و ما حتی تا قبل از این دوره تصور می‌کردیم که شاید در انتخابات شوراها کمترین اختلال دستگاه‌های نظارتی و سیاسی در بحث نظارت استصوابی را داریم. چراکه بالاخره نظارت و تأیید و تشخیص صلاحیت‌ها بر عهده مجلس است و به آن شکل نظارت استصوابی هم وجود ندارد؛ اما متأسفانه شاهد بودیم که با برخوردهای سیاسی و حذفی و محدود کردن طیف شرکت‌کنندگان و استفاده از ابزار صلاحیت، تلاش کردند یکی طیف سیاسی خاص از جریحه انتخابات شوراها حذف شود. البته به طور کامل و آن طوره که در مجلس شورای اسلامی اتفاق افتاد. این امر در شوراها اتفاق نیفتاد.

*** رئیس کمیته محط زبست سامی سوم شهر تهران**

نگاہ کارشناس

۲ سال نمایندگی بدون رأی مردم



سید صادق کاشانی

دکترای حقوق خصوصی و وکیل دادگستری

بدیهی است که برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه در همه سطوح که در آن مردم موفق به انتخابی آگاهانه شوند، تنها راه حل برون رفت کشور از همه مشکلات است. انتخابات شوراهای نیز به عنوان بزرگترین انتخابات کشور از جهت تعداد نامزدها و تعداد حوزه های انتخابیه از این قاعده مستثنی نیست.

اساسا انتخابات شوراهای محلی یک انتخابات غیرسیاسی و برای پرداختن به مسائل اجتماعی و محلی در شهرها و روستاهاست. پس از تشکیل دولت دوم خرداد در سال ۱۳۷۶، اولین انتخابات شوراهای در روز هفتم اسفند ۱۳۷۷ برگزار شد و شورای شهر از اردیبهشت ۱۳۷۸ کار خود را آغاز کرد. انتخابات مجلس ششم در بهمن ماه ۱۳۷۸ برگزار شد و مجلس ششم از خرداد ۱۳۷۹ شروع به کار کرد. در چنین شرایطی سه انتخابات مهم کشور در فاصله زمانی یک ساله برگزار می شد و از سوی دیگر انتخابات شوراهای به طور مستقل و در فضایی کمتر سیاسی و جناحی برگزار می شد. متأسفانه مجلس هشتم شورای اسلامی در مصوبه های عجیب، در شرایطی که مردم برای چهار سال نماندند که شوراهای انتخاب کرده بودند، مدت نماند که آنها را در یک سال ۹۲ پیاپی می یافت تا سال ۹۲ تمدید کرد که نتیجه اعضای شورای سوم دو سال بدون رای مردم نماندند. مردم تهران و دیگر شهرها بودند! جالب اینکه در زمان همین شور، طرح تفصیلی فعلی شهر تهران که عامل عمده مشکلات شهر است، به تصویب رسید!

اگر اینک بحث اصلاح این اشتباه که در زمان مجلس هشتم رخ داد، مطرح می شود باید توجه داشت که نمدت جابه جایی زمان برگزاری انتخابات شوراهای دو باره با افزودن به مدت نماندگی اعضای شوراهای فعلی که برخلاف همه موازین حقوقی است، صورت بگیرد. گذشته از راه حلی که برای اصلاح این وضعیت باید در پیش گرفت، خوب است کسانی که در شورای سوم دو سال پس از پایان دوره چهارساله در شورا باقی ماندند، برای جبران این مدت اضافه، از عضویت شورای شهر استعفا دهند تا بار مردم پس از حدت باشند و اعضای علی البدل به جای آنها وارد شورا شوند!

گذشته از موضوع جابه‌جایی زمان برگزاری انتخابات شوراهای ویدار اداری اساسی در نحوه برگزاری انتخابات شوراهای وجود دارد. ایراد اول مربوط به انتخاب شهرداری تهران، ری و تجریش است. طبق اصل ۱۰۰ قانون اساسی تشکیل سه شورای شهر مستقل برای تهران، ری و تجریش ضرورت دارد. اصل ۱۰۰ قانون اساسی از تشکیل شورای شهر در روستا، بخش، شهر و شهرستان یا استان سخن گفته است. محدودتهای در آن انتخابات شهر تهران را بررسی می‌نمودم مشکل از سه شهر مستقل تهران، ری و تجریش است که آشکارا خلاف اصل ۱۰۰ قانون اساسی است. در نتیجه این وضعیت تجریش که از بی نظیرترین عرصه‌های سبزی شهری در جهان در دامنه البرز بود، به منبع عظیم تراکم‌فروشی تبدیل شد. شهر ری نیز با وجود سابقه تاریخی هزار ساله، از دامن‌شهری شورای شهر جدا شده و حومه‌شهر شده است.

ایراد دوم که در مورد تمام شهرهای بزرگ وجود دارد، لیستی شدن انتخابات‌ها به دلیل نبود منطقه‌بندی شهرها از جهت حوزه‌های انتخاباتی است. این به این دلیل است که امکان است که به جهت محدودکردن هزینه‌های انتخاباتی و امکان برقراری ارتباط نزدیک مردم و نامزد-ها، هر حوزه انتخاباتی یک کرسی در مجالس قانون‌گذاری یا شوراهای محلی دارد. نتیجه‌ی بی‌توجهی به این اصل مهم، برگزاری یک انتخابات در محدوده وسیع جغرافیایی شهر تهران برای انتخاب ۲۱ نفر اعضای شورای شهر است. این در حالی است که در شهرهای بزرگ دنیا مانند پاریس و لندن هر منطقه یک نماینده شهرای شهر انتخاب می‌کند و شورای منتخب از این اعضا، شهردار را انتخاب می‌کند. برای جبران این فاصله بین شهروندان و شهردار چند دوره است که انتخاباتی غیرقانونی به نام «شورایاری» برگزار می‌شود که بارها مورد اعتراض سازمان بازرسی کل کشور قرار گرفته است.

امید که با اصلاح قانون انتخابات شوراهای شاهد تشکیلاتی و راهی متشکل از نمایندگان واقعی مردم باشیم که پاسخگوی مردم باشند و نه گروههای سیاسی و لابیهای پشت پرده. چنین شوراهایی میتوانند شهرداران یکدست انتخاب کنند که بجای بفروش گذاشتن شهرها و تراکمفروشی در پی حفظ آرامش و آسایش شهروندان و گسترش نظم و قانون در شهرها باشند.